

[ملازمه بین نهی از معامله و صحت آن 1](#_Toc86697337)

[معنای نهی از سبب و مسبب 1](#_Toc86697338)

[معنای نهی از سبب و مسبب بر مسلک مشهور 2](#_Toc86697339)

[فارق بین سبب و مسبب با بیان مرحوم نائینی 2](#_Toc86697340)

[متعلق نهی از ایجاد 2](#_Toc86697341)

[مدعای استاد: وجود نداشتن دو نوع مُنشا 3](#_Toc86697342)

[اشکال استاد به مرحوم خویی 4](#_Toc86697343)

[تکرار مدعای مرحوم آخوند 4](#_Toc86697344)

[جواب استاد از ملازمه بین نهی از معامله و صحت آن 4](#_Toc86697345)

[معنای نهی ارشادی 4](#_Toc86697346)

[معنای نهی مولوی 5](#_Toc86697347)

**موضوع**: بررسی کلمات اصولیون /ملازمه بین نهی از معامله و صحت آن /مساله اقتضا

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد ملازمه بین نهی از معامله و کشف صحت آن بود. مرحوم آخوند فرمود: ملازمه دارند. مرحوم نائینی و مرحوم خویی به ایشان اشکال کرده بودند و استاد هم در جلسه قبل مناقشاتی به آنها مطرح فرمودند.

# ملازمه بین نهی از معامله و صحت آن

مرحوم خویی بر مسلک ایجاد اشکال کرد و بر مسلک ابراز گفت مشکلی در کار نیست. برای توضیح بیشتر مطلب، بحث نهی از سبب و مسبب را دو باره بیان کنیم؛ زیرا دخیل در فهم مطلب است.

## معنای نهی از سبب و مسبب

مسلک ابرازی که آقای خویی جزء انها است، تقسم نهی به نهی از سبب و مسبب را اصلا قبول ندارند. قبول ندارند که نهی گاهی به سبب و گاهی به مسبب و گاهی به تسبب تعلق بگیرد. بله؛ بر مسلک ابراز نهی دو قسم است. گاهی اوقات نهی به معامله بما هو فعلی از افعال مکلف است. مثل این که قطع نماز حرام باشد و مکلف در اثنا نماز گفت بعت. این بعت منهی عنه است؛ اما به عنوان فعلی از افعال مکلف است و ربطی به حیثیت معامله ندارد. قصد انشا که قوام معامله است دخالتی در نهی ندارد. قسم دیگر این است که نهی از معامله به اعتبار مبرَز داشته باشد. بعد گفت نهی از قسم دوم ملازمه با فساد ندارد.

## معنای نهی از سبب و مسبب بر مسلک مشهور

بر مسلک مشهور، نهی از سبب و مسبب معنایش این است(حالا تقسیم ثنایی یا ثلاثی (تسبب) مهم نیست): مراد از نهی از سبب این است که شارع مقدس ما را از انشا و تکلم به این الفاظ به قصد ایجاد نهی بکند. مثلا شارع در حق زنِ ذات البعل بغض دارد که یکی به قصد انشا زوجیت بگوید: زوجتک.

دقت داشته باشید که نهی از بعت به عنوان فعلی از افعال، خارج از بحث است و اصلا نهی از معامله نیست، نهی از تلفظ است. قوام معامله به قصد انشا است.

مشهور که می­گویند ممکن است نهی به سبب تعلق بگیرد معنایش این است که نهی به الفاظ یا افعال به قصد ایجاد مسبب تعلق گرفته است. این الفاظ را به این قصد ایجاد نکن. این را نهی از سبب می­گویند. حالا اگر ایجاد کرد، مسبب ایجاد می­شود یا نه، با هر دو سازگاری دارد. ادعای خیلی ها این است که نهی از سبب مقتضی فساد نیست.

معنای نهی از مسبب این است: چیزی را که می­خواهی با این الفاظ ایجاد کنی، ان را ایجاد نکن. آن ملکیتی که مسبب از بعت است، ایجاد نکن.

### فارق بین سبب و مسبب با بیان مرحوم نائینی

فارق بین سبب و مسبب همان مطلبی است که مرحوم نائینی فرموده است: در سبب فقط جهت صدور از متعاملین مبغوض است. صدور آن انشا مبغوض است. در نهی از مسبب صادر مبغوض است و می­گوید آن را ایجاد نکن. در نهی از سبب صدور مبغوض است. گفتن به قصد انشا مبغوض است. بر خلاف نهی از مسبب که مثلا نهی به ملکیت کافر نسبت به مصحف تعلق گرفته است.

#### متعلق نهی از ایجاد

مرحوم نائینی در جواب از مرحوم آخوند فرمود: آن چیزی که متعلق نهی از ایجاد است، ملکیت عرفیه است؛ چرا که متعاملین با الفاظ ملکیت عرفیه را ایجاد می­کنند. در ارتکاز عقلاء، سبب و مسبب هستند و در وعاء خودش ایجاد می­شوند. خداوند این گونه بشر را آفریده است که اگر ملکیت عرفیه را با الفاظ ایجاد کنند، ایجاد می­شوند.

پس مرحوم نائینی می­گوید ملکیت عرفیه منهی عنه است. حالا شارع گاهی اوقات ملکیت عرفیه را امضا می­کند و گاهی اوقات امضا نمی­کند. این که شما شنیده اید احل الله البیع از جمله ادله امضائیه هستند و متعلق آنها همان بیع صحیح عند العقلاء است، همین داستان است.

#### مدعای استاد: وجود نداشتن دو نوع مُنشا

در ذهن ما این است که اصلا ملکیت دو قسم نیست. مرحوم آخوند در بحث صحیح و اعم نیز همین مطلب را می­گفت. ارتکاز بر این است که این مسببات یک واقعیتی دارند. بعد که علما گفتند امرِ اعتباری هستند و فرضی است، ذهن ما خراب شد و الا عموم مردم فکر می­کنند که زوجیت و ملکیت، هر کدام یک واقعیتی هستند و الفاظ هم سببیت و علیت برای مسببشان دارند. البته در وعاء اعتبار این کار را می­کنند.

واقعا کسی که قبل از بعت و بعد از بعت خودش را مقایسه می­کند، فرقی احساس می­کند. مثلا پول بعد از بعت با او ارتباط برقرار کرد. یک سلطه ای را احساس می­کند.

به نظر ما در ارتکاز انسان ها با این الفاظ یک چیزی محقق شد. این که دو قسم داشته باشیم یکی عقلائی و دیگری شرعی، نتوانستیم بفهمیم. بله؛ اگر ما حرف از عقلاء می­زنیم از این باب است که اگر عقلاء آثار را مترتب کردند، طریق است که در وعاء خودش محقق شده است. سیره عقلاء طریقیت دارد، نه این که عقلاء امضا و اعتبار می­کنند و بعد شارع امضا می­کند.

مرحوم آخوند درصحیح و اعم می­گوید با الفاظ این مودیات ایجاد می­شود و در جایی که شارع حکم به بطلان می­کند، عرف را تخطئه می­کند و می­گوید ایجاد نشده است و تو خیال می­کنی که ایجاد شده است.

ما می­گوییم لازم نیست که اصلا شارع امضا کند. همین که واقعیت ایجاد شد و امضا نکرد، محقق نشده است. صرف عدم ردع کافی است. حالا اگر کسی گفت لازم است معنای امضا این است که در ظرف خودش محقق شده است. نقش الفاظ ایجاد مودیات در وعاء خودش است.

بنا بر این، ادعای ما این است: این که دو ملکیت داشته باشیم یکی عقلائی و دیگری شرعیه، خلاف ارتکاز است. ما در معاملاتمان این گونه تصوری نداریم که اول با الفاظ این ملکیت عقلائیه را ایجاد می­کنیم و بعد شارع آن را امضا می­کند. به نظر ما با بعت ملکیت را ایجاد می­کنیم و حصه ندارد؛ بلکه خودش یک واقعیتی است. سلطه اعتباری هم یک نوعی از واقعیت است.

مرحوم نائینی نیز با اشکال مواجه شده است که این گونه گفته است و الا ایشان هم معقتد است به این که این الفاظ سبب برای ایجاد مودیات هستند و ملکیت نزد عقلاء یا نزد خودش یا نزد شارع را ایجاد نمی­کنند؛ بلکه لیسیده از این قیود ایجاد می­کند.

این که مرحوم نائینی در جواب مرحوم آخوند که فرمود: مُنشا، مسبب، ذو الاله، ملکیت عقلائیه است و ما بر ملکیت عقلائیه قبل و بعد از نهی قدرت داریم، خلاف ارتکاز است. بلکه ملکیت لیسیده از این قیود است. مثلا آتش حرارت را ایجاد می­کند ولی ذات حرارت را ایجاد می­کند و حرارت خودش را ایجاد نمی­کند.

مسبب، ملکیت عقلائیه و شخصیه و شرعیه نیست؛ بلکه ذات ملکیت را شخص ایجاد می­کند که اگر عقلاء قبول داشتند، معلوم می­شود که محقق شده است و اگر عقلاء قبول نداشتند هر چند که ایجاد کرده است؛ ولی در وعاء اعتبار ایجاد نمی­شود.

#### اشکال استاد به مرحوم خویی

اینکه مرحوم خویی می­فرماید الفاظ صلاحیت برای ایجاد را ندارند، درست نیست؛ زیرا به معنای تکوینی نیست؛ بلکه اعتباری است. اشکالی ندارد که الفاظ سببیت برای ایجاد این امر اعتباری را داشته باشند.

### تکرار مدعای مرحوم آخوند

سوال این است که ما چگونه بر مبنای ایجاد که مرحوم آخوند این مبنا را قبول دارد، از ایشان جواب داد؟

مرحوم آخوند فرمود: نهی از مسبب، کاشف از تحقق مسبب است؛ چرا که اگر مسبب باطل باشد، مقدور نبود. نهی از مسبب کاشف از این است که در وعاء خودش با این سبب محقق می­شود و الا نهی نمی­کرد؛ زیرا مقدور شخص نبود.

#### جواب استاد از ملازمه بین نهی از معامله و صحت آن

ما می­گوییم: نهی مولا با هر دو سازگاری دارد. شارع مقدس می­تواند از ایجاد مسبب نهی کند. مسبب محقق بشود یا محقق نشود. با هر دو سازگاری دارد. دقت کنید تحقق خارجی به این معنا که در وعاء اعتبار محقق بشود.

##### معنای نهی ارشادی

شارع مقدس در مواردی نهی ارشادی دارد. معنای نهی ارشادی این است: در وعاء خودش محقق نمی­شود. اگر گفت: نهی النبی عن بیع الغرر که نهی ارشادی دارد، معنایش این است که ملکیت در وعاء خودش محقق نمی­شود.

در حقیقت این نهی می­خواهد بگوید: اگر عقلاء با این الفاظ در ارتکازشان این است که ملکیت با این الفاظ آمده است، اشتباه است. لبّ نهی ارشادی به این بر می­گردد که این تلاش و تکلم اثر ندارد.

##### معنای نهی مولوی

در نهی مولوی می­گوید این مسبب را ایجاد نکن، با هر دو سازگاری دارد. هم با صحت سازگاری دارد و هم با بطلان. مثلا می­گوید: ملکیت مصحف را برای کافر قرار نده و مبغوض من است؛ ولی اگر ایجاد کردی، اشکالی ندارد من امضا می­کنم. در جلسه قبل می­گفتیم امکان دارد که امضا بکند. مرحوم آخوند می­گوید: بحث امکان نیست؛ بلکه باید امضا بکند.

ما می­گوییم ملکیت مصحف برای کافر محقق نمی­شود و در عین حال از آن نهی می­کند. یعنی شارع می­گوید: در ارتکاز تو این است که محقق می­شود؛ ولی از آن نهی می­کند؛ یعنی محقق نمی­شود. خیلی اوقات پدر فرزندش را نهی می­کند در عین حال که مقدور فرزند نیست. مثلا می­گوید: قطعا نمی­توانی این ماشین را بخری و در عین حال نهی می­کند و می­گوید آن را ایجاد نکن. غرض از نهی این است که در صدد این کار برنیاید و سراغ این کار نرود و لو این که خاصیت ندارد.

منافاتی بین نهی و عدم امضا در ارتکاز عقلاء وجود ندارد. فرمایش مرحوم آخوند را با این بیان دفع کردیم و گفتیم که نهی دلالت بر صحت ندارد.

بحث در مورد اقتضا تمام شد. در جلسه آینده مباحث را دسته بندی می­کنیم و وارد بحث مفاهیم می­شویم. ان شاء الله.